

آیا اضطراب و غش پیامبرهنگام وحی واقعیت دارد؟!؟

۸ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۱۰

پیامبر(ص) بر اساس روایات متواتر در سن ۴۰ سالگی به نبوت رسیدند و در این مدت از حالت غش یا اغما و هر نوع حالتی که به اصطلاح بهداشت روانی حضرت تعارض داشته باشد، گزارشی نشده است، بلکه همه مردم ایشان را یک شخص معتبر می‌شناختند.

یکی از شبهات مطرح درباره پیامبر اکرم (ص) و شخصیت نبوت ایشان، روی دادن حالت اضطراب و چه بسا غش هنگام وحی است؛ مخالفان می‌خواهند از آن ثابت کنند که اصلاً وی پیامبر نبوده و وحی‌ای در واقع وجود نداشته و گر نه حالت غش و اضطراب معنا پیدا نمی‌کرد.

این شبهه توسط مستشرقان و برخی ملحدان مطرح شده و از آن بیماری صرع و غش حضرت برداشت شده است، بیشتر نیز به روایات اهل سنت استناد کرده‌اند که بر اضطراب پیامبر هنگام وحی، خصوصاً در آغاز وحی دلالت کرده‌اند.

در تحلیل این شبهه، نکته‌های زیر قابل تأمل است:

-نداشتن سابقه غش

حضرت محمد(ص) بر اساس روایات متواتر در سن چهل سالگی به نبوت رسیدند و در طول چهل سالگی در هیچ کتاب و منبع تاریخی از حالت غش یا اغما و هر نوع حالتی که با سلامت روانی و به اصطلاح بهداشت روانی حضرت(ص) تعارض داشته باشد، اشاره و گزارشی نشده است؛ بلکه برعکس، همه مردم او را یک شخص معتبر و امین می‌شناختند.

اگر محمد(ص) کوچکترین مشکل روانی داشت، آیا زنی همچون خدیجه که دارای ثروت زیاد و از جایگاه خاصی در جامعه قریش برخوردار بود، او را امین و مدیر و رئیس کاروان تجاری خود انتخاب می‌کرد؟ خدیجه که خواستگاران متعدد و معتبری داشت، چرا به همگی آن‌ها پاسخ رد داده و با حضرت ازدواج کرد؟

ابوطالب هنگام خواستگاری از حضرت خدیجه -که پیامبر(ص) ۲۵ ساله بود- شخصیت محمد(ص) را شخصیتی توصیف کرد که

با احدی از مکیان قابل مقایسه نیست.

باری، هنگام نزول وحی حالت اضطراب - که معلول عظمت وحی بود- بر حضرت عارض می‌شد که آن به غش حضرت(ص) ارتباطی نداشت که توضیح آن خواهد آمد.

-پیدایش همزمان غش با نبوت فرضیه ناموجه

این احتمال که غش حضرت(ص) از آغاز نبوت و رسالت ایشان رخ داده است، احتمال ناموجه و بدون دلیل هست، برای اینکه رخدادهای روانی انسان معلول حالت‌های روانی و درونی است که علت آن می‌تواند تدریجی یا دفعی باشد. پیش‌تر بیان شد که پیامبر(ص) پیش از نبوت یک انسان عادی بلکه یک شخصیت موجه و مورد احترام دیگران بود، اگر در شخصیت درونی حضرت، کاستی و آسیب‌های روحی و روانی وجود داشت، به ضرورت آن، ولو اندک در زندگی ظاهری حضرت نمود پیدا می‌کرد و دیگران و نزدیکان از آن اطلاع پیدا می‌کردند، در حالی که هیچ اشاره‌ای به این مسأله در جایی نشده است پس اینکه حالت غش پیامبر(ص) معلول علل روحی و روانی گذشته بوده - که در آغاز وحی به اوج خود رسیده است - فرضیه باطلی است.

اما اینکه در زندگی پیامبر(ص) یک علت و حادثه دفعی و ناگهانی آن هم در آغاز نبوت وی رخ داده و آن علت غش و اغمای حضرت باشد، باید گفت خوشبختانه تاریخ و مورخان اعم از مسلمان و غربی نیز از چنین رخدادی سخن نگفته‌اند تا پیدایش حالت اغمای حضرت در سن چهل سالگی یعنی آغاز رسالت را تبیین و توجیه کند.

با این تحلیل یعنی نبود علت و منشأ پیدایش و توجیه‌گر حالت اغمای پیامبر(ص) اعم از علت تدریجی و دفعی، برای توجیه آن دو فرضیه زیر باقی می‌ماند:

الف) انکار غش و التزام به حالت اضطراب هنگام وحی؛

ب) ساختگی حالت غش: به این معنی که حضرت(ص) خود را به حال غیرعادی وانمود می‌کرد.

فرضیه اول، فرضیه‌ای معقول است که اینکه به تقریر آن می‌پردازیم.

-تبیین و توجیه اضطراب پیامبر(ص) هنگام وحی

گفته شد که نفس پیامبر(ص) نفس کامل و از هر آفت روحی و روانی سالم بوده است، لکن هنگام وحی خصوصاً آغازین وحی، اضطراب پیامبر(ص) را فرا گرفته بود که به تبیین آن می‌پردازیم.

گفته شد که روح حضرت(ص) از همه کاستی‌ها، سالم و یک انسان کامل به شمار می‌آید؛ با وجود این هنگام نزول وحی - خصوصاً در آغازین رسالت - حالت اضطراب و حالت غیرعادی در حد احساس سنگینی و عرق و سردی بر وجود حضرت عارض می‌شد که در تبیین آن، نکته‌های زیر در خور توجه است:

*اضطراب متعلق به نفس دنیوی: نفس و روحی که با عالم عقول و ملکوت و عقل فعال ارتباط پیدا می‌کند، نفس و روح مجرد پیامبر(ص) است که از کالبد مادی فراغت حاصل کرده است. در این مرحله، هیچ نوع خوف و اضطرابی وجود ندارد؛ اما بعد از اتمام سیر و اتصال به عالم عقل و هنگام رجوع نفس نبوی به کالبد مادی خود، کالبد مادی و نفس متعلق به آن قابلیت کامل و آمادگی لازم انتقال معارف مجرد و مشاهده فرشته حامل وحی را ندارد؛ لذا در این نقل و انتقال، اضطرابی متوجه بدن و نفس آن می‌شود و حالت ضعف، خوف، نوم و شبه اغما به نبی دست می‌دهد؛ پس خوف و اضطراب به عنصر جسمانی پیامبران تعلق دارد.

شیخ عبدالوهاب شعرانی(۳۸۴ ه ق) عروض حالت سردی و عرق بر پیامبر(ص) را معلول التقای روح فرشته و پیغمبر می‌داند که موجب فشار و ثقل بر روح نبوی می‌شود که باعث اختلاط مزاج و هوای داخل و خارج بدن پیامبر(ص) می‌شود.

صدرالمتألهین اضطراب پیامبر(ص) را نه در عالم عقل، بلکه مربوط به عالم ملکوت و ماده می‌داند که در آن صورت‌های عقلی، به صورت جزئی مانند جبرئیل متمثل می‌شود و این موجب اضطراب حواس پیامبر می‌شود: زمانی که فرشته به عالم ملکوت آسمانی بر پیامبر نازل شود، صورت آنچه آن را تعقل و مشاهده کرده، متمثل می‌شود و در این زمان برای حواس پیامبر(ص) حالت شبه دهشت و خواب عارض می‌شود.

امام خمینی(ره) در این باره می‌نویسد: ضعف اجسام شریف پیامبران از تحمل ارواح مجرد متفاوت با قوه و قدرت مقام روحانیت و حیثیت ولایی آنان است.

بر ثقل و سنگینی وحی بر پیامبر(ص) در آیات نیز اشاره شده است، مانند «إنا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً».

*اضطراب معلول مواجهه مستقیم الوهی: وحی گاهی به واسطه فرشته و یا شنیدن کلام الهی صورت می‌گیرد و گاهی روح نبوی مواجهه مستقیم و بدون واسطه با حق تعالی پیدا می‌کند که آن موجب اضطراب و خوف پیامبر می‌شود.

علامه طباطبایی در تبیین وحی و اقسام آن می‌گوید: در بعضی از موارد نظر اصلی به خود ذات حق بوده است، به طوری که به جبرئیل و سَفَرَه نظر نمی‌شده است و این در مواردی است که حال رسول الله تغییر می‌کرده است.

بعضی از روایات مؤید این نظریه است. امام صادق(ع) در پاسخ زراره از همین اشکال فرمود: ذلک (الأغماء) اذا لم یکن بینة و بین

الله احد، ذلك اذا تجلى الله له.

در روایت دیگر از امام صادق(ع) نیز آمده است: زمان وحی اگر بین پیامبر و خدا و جبرئیل نباشد، حالت خواب و اغما دست می‌دهد که آن معلول سنگینی وحی است.

در روایت دیگر، سائل از عروض حالت اغما هنگام نزول جبرئیل سؤال کرد که امام صادق(ع) صریحاً به نفی آن پرداخت و اضطراب را معلول مخاطبه مستقیم الهی دانست: فسئل الصادق(ع) عن الغشيه التي كانت تأخذ النبي(ص) كانت تكون عند هبوط جبرئيل؟ فقال: لا ... و انما ذلك عند مخاطبه الله عزوجل اياه بغير ترجمان و واسطه.

*اضطراب معلول مواجهه با امر مجرد: دیدگاه دیگر، اضطراب را به مواجهه با مقام الوهی اختصاص نمی‌دهد، بلکه تأکید دارد که بدن و نفس دنیوی پیامبر(ص) به دلیل تغایر امر مادی و مجرد، هنگام مواجهه با امر مجرد، حتی جبرئیل، حالت خوف و ترس بر وی عارض می‌شود.

در بعضی روایات، حال اضطراب پیامبر(ص) به صورت مطلق به نزول وحی مستند شده است: عثمان بن مظعون نقل می‌کند که پیامبر(ص) را مشاهده کردم که به آسمان خیره شده و رنگ صورتش تغییر کرده و عرق از پیشانی‌اش جاری بود: «محمّر الوجه یفیض عرقاً» از حضرت از علت آن پرسیدم که فرمود: ذلك جبرئيل لم یکن لی همه غیره.

در روایات دیگر گزارش شده است که هنگام نزول وحی اگر پیامبر(ص) سواره بود، حالت اضطراب بر حضرت و رکوب روی می‌داد.

تحلیل و جمع‌بندی

در تحلیل و جمع روایات که به ظاهر مختلف است، به دو نکته اشاره می‌شود:

نکته اول: محتمل است که عروض حال اضطراب از مشاهده جبرئیل به ماه‌ها و سال‌های نخستین وحی مستند شود؛ اما بعد از مشاهده و نزول وحی به صورت مکرر، عنصر مادی و نفس نبوی به وحی و مشاهده جبرئیل عادت می‌کند؛ با وجود این، هنگام وحی بدون واسطه بر نفس نبوی حال اضطراب عارض می‌شود.

نکته دوم: محتمل است به تفکیک انواع اضطراب و شبه اغما قائل شد، به این صورت که مواجهه و ارتباط مستقیم با امر الوهی موجب اضطراب و اغما شدید می‌شد؛ اما مشاهده جبرئیل موجب شبه نوم و اضطراب خفیف می‌شد یا قابل لمس نبود که روایات نافی خوف از مشاهده جبرئیل به آن ناظر است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27008/آياضطرار-وغيث-پيامبرهنگام-واقعت-وحى-پيامبرهنگام-وغيث-آياضطرار/>